

پذیرش مدیریت ریسک در دامداران صنعتی استان تهران: سازدهای تعیین کننده

فروغ طباطبایی^۱، غلامرضا پزشکی راد^{۲*} و محمد چیدری^۳
۱، کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، ۲، ۳، دانشیار و استاد
گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس
(تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۱۷ - تاریخ تصویب: ۹۰/۴/۲۱)

چکیده

هدف کلی این پژوهش که با روش توصیفی - همبستگی انجام شده است، بررسی سازدهای مؤثر بر پذیرش مدیریت ریسک در دامداری‌های صنعتی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل دامداران صنعتی استان تهران می‌باشد که تعداد ۱۷۵ نفر از آنها به‌عنوان نمونه، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار اصلی این تحقیق، پرسشنامه‌ای است که روایی صوری آن با کسب نظر اساتید و صاحب‌نظران حوزه ترویج، دامپروری و دامپزشکی تأیید شد. آزمون مقدماتی برای به‌دست آوردن پایایی پرسشنامه انجام گرفت و ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۴ به‌دست آمد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که میزان پذیرش اکثریت دامداران (۴۹ درصد) از روش‌های مدیریت ریسک در سطح "متوسط" است. همچنین، این یافته‌ها نشان می‌دهند که مهمترین روش‌های مدیریت ریسک در دامداران، مشاوره با متخصصان و کارشناسان و استفاده از دامپزشک است. یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهند که بین متغیرهای: فاصله دامداری تا محل سکونت، مقدار سرمایه، میزان استفاده از وام، درآمد سالانه، تعداد راس واحد دامداری، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی با متغیر پذیرش مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در آزمون رگرسیون چندگانه خطی، متغیرهای "مقدار سرمایه، درآمد سالیانه و میزان آگاهی از عوامل ایجادکننده ریسک" ۵۰/۹۰ درصد از تغییرات متغیر مدیریت ریسک دامداران را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: پذیرش، مدیریت ریسک، دامدار صنعتی، سازه، تهران.

مقدمه

درصد از جمعیت شهرنشین به‌صورت مستقیم در فعالیت‌های مرتبط با امور دام حضوری فعال دارند. تولید در این بخش، تفاوت‌هایی با سایر زمینه‌های تولیدی و تجاری دارد که باعث شده است تا یکی از مخاطره‌آمیزترین فعالیت‌های اقتصادی به‌شمار بیاید. بسیاری از عوامل کنترل‌ناپذیر، مانند عوامل جوی و به ویژه بیماری‌ها، بر میزان تولید و در نتیجه درآمد اثر

بخش دامداری به‌دلیل برخورداری از رشد مستمر و پایدار اقتصادی و تأمین امنیت غذایی در قیاس با سایر بخش‌های اقتصادی کشور از قابلیت‌های خاصی برخوردار است. این بخش، نقش حیاتی را در اقتصاد کشاورزی ایران بر عهده دارد، زیرا حدود ۷۰ درصد از جمعیت شاغل در روستا، ۹۰ درصد از جمعیت عشایر و ۱۰

Lien et al., 2000; Meuwissen et al., 2001). بنا به نظر ریسک‌های سازمانی را مهمترین ریسک دامداری‌ها و روش‌های مدیریت آن را تنوع دام و نقدینگی اضافی می‌دانند.

Steven et al. (2003) کسب اطلاعات از منابع مختلف مخصوصاً بخش خصوصی می‌باشد، Cole et al. (2006) و Gregory et al. (2002) نیز بر نقش برجسته بیمه به‌عنوان یکی از روش‌های مدیریت ریسک در دامداری‌ها تأکید دارند. مدیریت در حقیقت بر اساس دانش و اطلاعات مدیر از سیستم سازمان صورت می‌گیرد و با توجه به این که ریسک یک نوع تصمیم‌گیری خاص در شرایط غیرعادی می‌باشد نوعی نگرش و دیدگاه متفاوت نسبت به زمان‌های معمولی طلب می‌کند. با نظر به این که مدیریت ریسک و ابزار آن موضوعی است که به تازگی در جوامع مختلف مطرح شده و هنوز در بسیاری از بخش‌های مختلف اقتصادی، به طور کامل برای افراد شناخته شده نیست لذا به عنوان یک نوآوری به حساب می‌آید و عکس‌العمل مدیران در مقابل آن تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله عوامل شخصی و اجتماعی و غیره قرار می‌گیرد.

با توجه به این که نوآوری در جوامع و شرایط مختلف تحت تاثیر عوامل متفاوتی قرار می‌گیرد، بررسی عوامل موثر بر شرایط پذیرش در مواجهه یک شخص با نوآوری همانند مدیریت ریسک می‌تواند ما را در برخورد با چنین شرایطی راهنمایی کند.

دامداران به عنوان مدیران واحدهای صنعتی بزرگ همیشه در معرض خطر وریسک بوده و می‌بایست این قدرت و آگاهی را داشته باشند که در چنین شرایطی بهترین تصمیمات را اتخاذ کنند، با توجه به ملاحظات فوق و همچنین توجه به این نکته که فعالیت‌های کشاورزی و از جمله مهمترین آنها دامداری‌های صنعتی توأم با ریسک‌های متنوعی می‌باشد، بررسی شیوه‌های مختلف مدیریت ریسک در دامداری‌ها توسط دامداران صنعتی و همچنین شناخت و آگاهی دامداران از ریسک‌های موجود در دامداری‌ها به عنوان یک موضوع مهم برای رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌تواند موثر باشد. لذا در این مقاله مدیریت ریسک در دامداری‌های صنعتی و همچنین عوامل موثر بر پذیرش مدیریت ریسک مورد بررسی قرار گرفته شده است.

دارند. علاوه بر این، دامداران با خطرات ناشی از وضعیت بازار و تغییرات قیمت نیز مواجه هستند که این امر به نوبه خود، درآمد آن‌ها را بی‌ثبات می‌سازد. مجموعه این عوامل سبب می‌شوند که دامداران همواره نگران پرداخت هزینه‌های اداره واحد، تأمین هزینه‌های خانواده و باز پرداخت وام باشند. در این میان، دامداری‌های صنعتی، به علت سرمایه‌گذاری بیشتر در تأسیسات و همچنین خرید دام‌های اصلاح شده، با مخاطرات گسترده‌تری روبه‌رو هستند. مجموعه این مخاطرات شرایط آسیب‌پذیری را برای تولیدکنندگان این بخش کشور فراهم می‌آورد که نتیجه نهایی آن، بی‌ثباتی درآمد برای دامداران می‌باشد (Rio, 1999). از این‌رو اتخاذ تدابیر امنیتی و مدیریتی برای کاهش و کنترل ریسک تولید در این بخش کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

Abourizk (2002) ریسک را احتمال متحمل شدن خسارت و تأثیری که این خسارت بر یک طرف دارد بیان می‌کند. Meuwissen (2000) مهمترین منابع ریسک که دامداران با آن روبه‌رو هستند را به این شرح بیان کرده است: ۱- ریسک تولید (تلف شدن دام بخاطر بیماری و جو نامناسب، زیان ناشی از وضعیت بد آب و هوایی در زمان بدنی آمدن گوساله‌ها و یا بره‌ها)، ۲- ریسک قیمتی، ۳- ریسک خسارات (آتش سوزی، سیل، طوفان و سرقت)، ۴- ریسک تکنولوژیکی، ۵- ریسک به علت فعالیت‌های سایر افراد، مشاغل و شرکت‌ها (ریسک‌های قانونی و ریسک‌های شخصی، بیماری، جراحت و مرگ). مدیریت ریسک، یک روش فعال و پوی‌نگرانه است که به اگرها پاسخ می‌دهد و شامل دو بخش کاهش و کنترل ریسک می‌باشد. هدف از کاهش ریسک، به حداقل رساندن خطر یک واقعه نامطلوب و هدف از کنترل، جمع‌آوری اطلاعات برای مشخص کردن اینکه آیا ابتکارات اجرا شده به‌طور مؤثر خطر واقعه نامطلوب را به حداقل رسانده است یا خیر، می‌باشد (Astles et al., 2006).

Harwood et al. (1999) مهمترین ریسک‌های دامداری‌ها را ریسک‌های قیمت، تولید و قانونی (قوانین و مقررات دولتی) بیان می‌کنند. پژوهش‌هایی در دامداری‌های هلند نشان می‌دهند که مهمترین ریسک‌ها در ارتباط با قیمت نهاده‌ها و همچنین تولیدات می‌باشند و مناسبترین روش مدیریت ریسک، استفاده از بیمه دام‌ها و تولید با کمترین هزینه است (Huirne et

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی، از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از جهت روش توصیفی-همبستگی به‌شمار می‌آید. جامعه آماری این تحقیق کلیه دامداران صنعتی (گاوداری‌های شیری) استان تهران در سال ۸۵-۱۳۸۴ را شامل می‌شود (N=۳۲۵) که از این میان، تعداد ۱۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای با توجه به جدول (Krejcie & Morgan, 1970) به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و با توجه به محدودیت‌های مالی و زمانی تحقیق در نهایت ۱۵۵ پرسشنامه جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (n=۱۵۵) که از نظر آماری با نرخ برگشت ۸۸/۵۰ درصد، قابل استفاده و استناد می‌باشد. شایان توجه است که دامداری صنعتی به دامداری اطلاق می‌شود که دارای پروانه بهره‌برداری است و دام‌های اصیل که دارای شناسنامه هستند در آن نگهداری می‌شوند.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود. جهت تعیین روایی^۱ چندین نسخه از پرسشنامه در اختیار اساتید علوم ترویج و آموزش کشاورزی، اقتصاد کشاورزی، توسعه روستایی و کارشناسان دامپروری و دامپزشکان صندوق بیمه محصولات کشاورزی قرار داده شد و بر حسب پیشنهادهای آنان، تصحیحات لازم

صورت گرفت. جهت تعیین ضریب اعتبار^۲، تعداد ۲۵ پرسشنامه خارج از جامعه آماری (شهرستان اصفهان که از نظر شرایط اقلیمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تقریباً شبیه جامعه آماری است) توزیع گردید و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های مذکور، داده‌ها وارد کامپیوتر شد و با استفاده از نرم افزار SPSS و روش آلفای کرونباخ، ضریب اعتبار پرسشنامه بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۴ به‌دست آمد.

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دامداران

میانگین سن دامداران ۴۳/۵۲ سال با انحراف معیار ۹/۳۵ سال است که اکثریت آنها (۳۴/۸۰ درصد) در گروه سنی ۴۰-۵۰ سال قرار دارند، از طرفی میانگین سابقه دامداری آنها ۱۶/۲۳ سال با انحراف معیار ۱۱/۸۶ سال است که اکثریت آنها (۲۶/۵۰ درصد) در گروه کاری ۱۰-۵ سال قرار دارند. میانگین تعداد اعضای خانواده دامداران ۵/۰۱ نفر با انحراف معیار ۱/۶۴ نفر می‌باشد که از ۲ تا ۱۰ نفر تغییر می‌کند. میانگین فاصله دامداری پاسخگویان تا محل سکونت آنها ۲۹/۵۵ کیلومتر با انحراف معیار ۱۳/۰۶ کیلومتر است که اکثریت آنها (۳۱ درصد) در گروه ۳۰-۴۰ کیلومتر قرار دارند. با بررسی سطح تحصیلات دامداران، مشخص می‌شود که اکثریت آنها دارای مدرک دیپلم (۳۶/۷۷ درصد) و کارشناسی (۲۲/۵۸ درصد) می‌باشند.

2. Reliability

1. Validity

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای (n=۱۵۵)

تعداد اعضاء خانواده (نفر)				سن (سال)			
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سطوح تغییر	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سطوح تغییر
۱۶/۱۰	۱۶/۱۰	۲۵	۳	۹	۹	۱۴	۳۰
۷۱/۶۰	۵۵/۵۰	۸۶	۳-۵	۴۱/۹۰	۳۲/۹۰	۵۱	۳۰-۴۰
۹۴/۸۰	۲۳/۲۰	۳۶	۵-۷	۷۶/۸۰	۳۴/۸۰	۵۴	۴۰-۵۰
۱۰۰	۵/۲۰	۸	۷	۱۰۰	۲۳/۲۰	۳۶	۵۰
فاصله دامداری تا محل سکونت (کیلومتر)				سابقه دامداری (سال)			
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سطوح تغییر	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سطوح تغییر
۸/۴۰	۸/۴۰	۱۳	<۱۰	۲۲/۶۰	۲۲/۶۰	۳۵	<۵
۳۲/۹۰	۲۴/۵۰	۳۸	۱۰-۲۰	۴۹	۲۶/۵۰	۴۱	۵-۱۰
۵۹/۴۰	۲۶/۵۰	۴۱	۲۰-۳۰	۷۴/۲۰	۲۵/۲۰	۳۹	۱۰-۱۵
۹۰/۳۰	۳۱	۴۸	۳۰-۴۰	۸۵/۸۰	۱۱/۶۰	۱۸	۱۵-۲۰
۱۰۰	۹/۷	۱۵	>۴۰	۱۰۰	۱۴/۲۰	۲۲	>۲۰

ویژگی‌های اجتماعی دامداران

یافته‌های جدول (۲) نشان می‌دهد که میزان مشارکت پاسخگویان در فعالیت‌های ترویجی با میانگین ۱/۶۷ و انحراف معیار ۰/۹۵ در وضعیت "کم تا متوسط" قرار دارد. بیشترین فراوانی تماس‌های ترویجی آنها به ترتیب شامل: بازدید علمی از دامداری‌های مدرن، مطالعه نشریات ترویجی و شرکت در کلاس‌های ترویجی می‌باشد. میزان استفاده دامداران از منابع اطلاعاتی با میانگین ۲/۲۵ در سطح "متوسط تا زیاد" است. نتایج تحقیق، مهمترین منابع اطلاعاتی پاسخگویان را به ترتیب، دامپزشکان، کارشناسان دامپروری و مطالعه نشریات کشاورزی و دامپروری نشان می‌دهد. از طرفی، میانگین همکاری دامداران با سازمان‌ها و نهادها ۱/۶۸ با انحراف معیار ۰/۳۹ است که حاکی از وضعیت "کم تا متوسط" دارد. نتایج تحقیق، بیشترین همکاری پاسخگویان را با اتحادیه دامداران، کتابخانه‌ها و شرکت‌های تعاونی روستایی نشان می‌دهد.

ویژگی‌های اقتصادی دامداران

میانگین دام پاسخگویان ۱۲۰/۳۵ رأس با انحراف معیار ۱۱۲/۲۱ رأس است که اکثریت آنها

(۳۸/۱۰ درصد) ۷۰-۳۰ رأس دام در اختیار دارند. همچنین اکثریت دامداران (۳۲/۹۰ درصد) دارای ۵۰۰-۳۰۰ میلیون تومان سرمایه می‌باشند. متوسط درآمد سالیانه آنها ۲۰ میلیون تومان می‌باشند که اکثریت آنها (۴۱/۹ درصد) ۱۵-۵ میلیون تومان درآمد سالیانه دارند. (جدول ۳)

میانگین زمین کشاورزی دامداران ۸/۸۴ هکتار می‌باشد که اکثریت آنها (۲۵/۲۰ درصد) ۱۰-۵ هکتار زمین کشاورزی دارند که بیشتر در فعالیت‌های مربوط به دامداری از آن استفاده می‌کنند و به‌عنوان منبع درآمد اصلی به حساب نمی‌آید. نتایج جدول (۳) بیانگر آن است که میزان استفاده اکثریت دامداران (۳۳/۵۰ درصد) از وام‌های بانکی در حد کم می‌باشد. از طرفی، تقریباً ۳۴ درصد (۳۴/۲۰٪) پاسخگویان بین ۹-۲ میلیون تومان بدهی دارند.

جدول ۲- ویژگی‌های اجتماعی دامداران (n=۱۵۵)

متغیر	میانگین*	انحراف معیار	تعداد گویه
میزان مشارکت در فعالیت‌های ترویجی	۱/۶۷	۰/۹۵	۶
میزان استفاده از منابع اطلاعاتی در رابطه با دامداری	۲/۲۵	۰/۸۸	۱۳
میزان همکاری با سازمان‌ها و نهادها	۱/۶۸	۰/۳۹	۷

*: هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵

جدول ۳- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس ویژگی‌های اقتصادی (n=۱۵۵)

اندازه زمین کشاورزی (هکتار)				مقدار سرمایه (میلیون تومان)			
سطوح تغییر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	سطوح تغییر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
<۱۰۰	۹	۵/۸۰	۵/۸۰	۱۰۰	۷۰	۴۵/۲۰	۴۵/۲۰
۱۰۰-۳۰۰	۳۶	۲۳/۲۰	۲۹	۳۰۰-۵۰۰	۳۹	۲۵/۲۰	۷۰/۳۰
۳۰۰-۵۰۰	۵۱	۳۲/۹۰	۶۱/۹۰	۵۰۰-۷۰۰	۵	۳/۲۰	۷۳/۵۰
۵۰۰-۷۰۰	۳۵	۲۲/۶۰	۸۴/۵۰	۷۰۰	۱۳	۸/۴۰	۸۱/۹۰
>۷۰۰	۲۴	۱۵/۵	۱۰۰		۲۸	۱۸/۱۰	۱۰۰
تعداد دام (رأس)				میزان استفاده از وام			
سطوح تغییر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	سطوح تغییر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۳۰-۷۰	۵۹	۳۸/۱	۳۸/۱	هیچ	۱۱	۷/۱۰	۷/۱۰
۷۰-۱۱۰	۳۳	۲۱/۳	۵۹/۴	کم	۵۲	۳۳/۵۰	۴۰/۶۰
۱۱۰-۱۵۰	۱۰	۶/۵	۶۵/۸	متوسط	۴۹	۳۱/۶۰	۷۲/۳۰
>۱۵۰	۵۳	۳۴/۲	۱۰۰	زیاد	۴۳	۲۷/۷۰	۱۰۰
درآمد سالیانه				مقدار بدهی به مؤسسات اعتباری (میلیون تومان)			
سطوح تغییر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	سطوح تغییر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
<۵	۲۴	۱۵/۵	۱۵/۵۰	<۲	۳۸	۲۴/۵۰	۲۴/۵۰
۵-۱۵	۶۵	۴۱/۹	۵۷/۴۰	۲-۹	۵۳	۳۴/۲۰	۵۸/۷۰
۱۵-۲۵	۳۲	۲۰/۶	۷۸/۱۰	۱۰-۱۷	۳۳	۲۱/۳۰	۸۰
۲۵-۳۵	۱۳	۸/۴	۸۶/۵۰	۱۸<	۳۱	۲۰	۱۰۰
>۳۵	۲۱	۱۳/۶۰	۱۰۰				

روش‌های مدیریتی ریسک در دامداران

در این تحقیق برای سنجش روش‌های مدیریتی ریسک دامداران با استفاده از نظرات متخصصان و افراد صاحب‌نظر در امور دام استان و مرور ادبیاتی تحقیق از ۱۹ گویه استفاده شده و از دامداران خواسته شده تا میزان پذیرش و به‌کارگیری هر یک از گویه‌ها را (در یک درجه‌بندی از ۱ = کمترین تا ۱۰ = بیشترین) بیان کنند.

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که مهم‌ترین

روش‌های مدیریت ریسک که دامداران از آن‌ها استفاده می‌کنند، به ترتیب، مشاوره با متخصصان و کارشناسان (M=۹/۵۴)، به‌کارگیری نیروی دامپزشک (M=۹/۴۸) و دسترسی به منابع اعتباری رسمی (M=۱/۳۶) است. درحالی‌که، گویه‌های دسترسی به منابع اعتباری غیر رسمی (M=۵/۶۶)، قرار داد پیمانی با شرکت‌های بزرگتر (M=۴/۸۸) و استفاده از دام‌های سبک در کنار دام اصلی (M=۱/۳۶) کمترین میزان پذیرش را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول ۴- اولویت‌بندی روش‌های مدیریتی ریسک در دامداران

رتبه	انحراف معیار	میانگین*	تعداد	گویه‌ها
۱	۰/۹۶	۹/۵۴	۱۵۵	مشاوره با متخصصان و کارشناسان
۲	۰/۸۸	۹/۴۸	۱۵۵	به‌کارگیری نیروی دامپزشک
۳	۱/۲۹	۹/۲۲	۱۵۵	دسترسی به منابع اعتباری رسمی
۴	۰/۸۰	۹/۱۶	۱۵۵	استفاده از نیروی کارگری متعهد و آگاه
۵	۱/۴۵	۹/۰۷	۱۵۵	ارتباط مداوم با کارشناسان دامپروری
۶	۱/۹۳	۸/۳۵	۱۵۵	عضویت در اتحادیه دامداران
۷	۱/۸۹	۸/۳۱	۱۵۵	فعالیت کشاورزی در کنار دامداری
۸	۲/۱۹	۷/۴۳	۱۵۵	استفاده از بیمه حوادث
۹	۲/۲۵	۷/۴۳	۱۵۵	استفاده از بیمه دام‌ها
۱۰	۲/۰۹	۷/۳۳	۱۵۵	شرکت در دوره‌های آموزشی
۱۱	۱/۹۰	۷/۲۵	۱۵۵	استفاده از انواع دام‌های مرغوب
۱۲	۱/۷۵	۷/۱۰	۱۵۵	داشتن انبارهای علوفه
۱۳	۱/۶۲	۶/۸۳	۱۵۵	استفاده از پس‌انداز کافی
۱۴	۲/۴۱	۶/۰۴	۱۵۵	استفاده از تنوع دام‌ها
۱۵	۱/۹۵	۶/۰۱	۱۵۴	داشتن ماشین حمل علوفه
۱۶	۲/۰۵	۵/۸۸	۱۵۵	رابطه و قرارداد با تعاونی حمل شیر
۱۷	۲/۲۶	۵/۶۶	۱۵۴	دسترسی به منابع اعتباری غیر رسمی
۱۸	۲/۱۵	۴/۸۸	۱۵۴	قرارداد پیمانی با شرکت‌های بزرگتر
۱۹	۱/۲۳	۱/۳۶	۱۵۴	دام‌های سبک در کنار دام اصلی

*: ۱ (کمترین) تا ۱۰ (بیشترین)

B=متوسط: Mean- Sd < B < Mean

C= خوب: Mean < C < Mean+Sd

D= عالی: Mean+Sd < D

با استفاده از روش مذکور، میزان پذیرش اکثریت دامداران (۴۹ درصد) از روش‌های مدیریت ریسک در سطح "متوسط" به‌دست آمد. میزان پذیرش روش‌های مدیریت ریسک در ۲۱ درصد دامداران در سطح "خوب"، ۱۱/۳۰ درصد در سطح "عالی" و ۷/۷۰ درصد در سطح "ضعیف" می‌باشد (جدول ۵).

به منظور توصیف کیفی متغیر میزان پذیرش مدیریت ریسک در دامداران از روش "فاصله انحراف معیار از میانگین"^۱ استفاده شده است (Sadighi & Mohammadzadeh, 2002). در این روش نحوه تبدیل امتیازات کسب شده به چهار سطح به شرح ذیل برآورد می‌شود:

A=ضعیف: A < Mean- Sd

1. Interval of Standard Deviation from the Mean

جدول ۵- توزیع فراوانی دامداران بر اساس میزان پذیرش

مدیریت ریسک			
سطح پذیرش	فراوانی	درصد	درصد
ضعیف	۱۲	۷/۷۰	۷/۷
متوسط	۷۶	۴۹	۵۶/۸
خوب	۴۸	۲۱	۸۷/۷
عالی	۱۹	۱۱/۳۰	۱۰۰
جمع	۱۵۵	۱۰۰	

درصد می‌توان قضاوت نمود که بین فاصله دامداری تا محل سکونت و میزان آگاهی از عوامل ایجادکننده ریسک با میزان پذیرش مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح پایین وجود دارد.

ضریب اسپیرمن محاسبه شده برای متغیر میزان استفاده از منابع اطلاعاتی ($r_s=0/223$ و $p=0/005$) با میزان پذیرش مدیریت ریسک در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان قضاوت نمود که بین میزان استفاده از منابع اطلاعاتی با میزان پذیرش مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح پایین وجود دارد.

ضریب پیرسون محاسبه شده برای متغیر تعداد دام ($r=0/204$ و $p=0/018$) با میزان پذیرش مدیریت ریسک در سطح پنج درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان قضاوت نمود که بین تعداد دام با میزان پذیرش مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح پایین وجود دارد.

ضریب همبستگی محاسبه شده برای متغیر مقدار سرمایه ($r=0/308$ و $p=0/000$)، درآمد سالیانه ($r=0/312$ و $p=0/000$) و میزان استفاده از وام ($r_s=0/107$ و $p=0/000$) با میزان پذیرش مدیریت ریسک در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان قضاوت نمود که بین مقدار سرمایه، درآمد سالیانه و میزان استفاده از وام با میزان پذیرش مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری در سطوح متوسط و پایین وجود دارد.

بررسی ضرایب همبستگی (جدول ۶) نشان می‌دهد که رابطه میان سن، سابقه دامداری، تعداد اعضای خانواده، سطح تحصیلات، میزان مشارکت در فعالیت‌های ترویجی، میزان همکاری با سازمان‌ها و نهادها، اندازه زمین کشاورزی و مقدار بدهی به مؤسسات اعتباری با میزان پذیرش مدیریت ریسک معنی‌دار نیست. بنابراین می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد، قضاوت نمود که بین متغیرهای مذکور و میزان پذیرش مدیریت ریسک هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. شایان ذکر است که برای توصیف میزان همبستگی بین متغیرها از الگوی Davis (1971) استفاده شده است که براساس این الگو، ضرایب همبستگی $-0/09$ - $0/01$ = جزئی، $-0/29$ - $0/10$ = پایین، $-0/49$ - $0/30$ = متوسط، $-0/69$ - $0/50$ = بالا، $0/70$ - $0/99$ = خیلی بالا و 1 = کامل، توصیف می‌شوند.

ضریب همبستگی محاسبه شده برای متغیر فاصله دامداری تا محل سکونت ($r=0/193$ و $p=0/016$) و میزان آگاهی از عوامل ایجادکننده ریسک ($r_s=0/227$ و $p=0/042$) با میزان پذیرش مدیریت ریسک در سطح پنج درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵

جدول ۶- همبستگی بین میزان پذیرش مدیریت ریسک با سایر متغیرهای تحقیق (n=۱۵۵)

توصیف همبستگی	ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری		متغیر	توصیف همبستگی
	p	r		
پایین	0/052	0/157	سن	توزیع‌های فردی و حروف‌های دامداران
جزئی	0/389	0/070	سابقه دامداری	
پایین	0/016	0/193*	فاصله دامداری تا محل سکونت	
متوسط	0/713	-0/30	تعداد اعضای خانواده	
خیلی بالا	0/091	0/782 $r_s=$	سطح تحصیلات	توزیع‌های اجتماعی دامداران
پایین	0/042	$r_s=0/227^*$	میزان آگاهی از عوامل ایجادکننده ریسک	
جزئی	0/461	$r_s=-0/061$	میزان مشارکت در فعالیت‌های ترویجی	
پایین	0/005	$r_s=0/222^{**}$	میزان استفاده از منابع اطلاعاتی	
جزئی	0/274	$r_s=0/088$	میزان همکاری با سازمان‌ها و نهادها	توزیع‌های اقتصادی دامداران
متوسط	0/000	0/308**	مقدار سرمایه	
پایین	0/088	0/148	اندازه زمین کشاورزی	
پایین	0/018	0/204*	تعداد دام	
پایین	0/000	$r_s=0/107^*$	میزان استفاده از وام	توزیع‌های اقتصادی دامداران
متوسط	0/000	0/312**	درآمد سالیانه	
پایین	0/076	0/147	مقدار بدهی به مؤسسات اعتباری	

* سطح معنی‌داری $P \leq 0.01$

* سطح معنی‌داری $P \leq 0.05$

مدل پیش‌بینی‌کننده رفتار پذیرش مدیریت ریسک در دامداران

در این تحقیق، برای پیش‌بینی رفتار پذیرش مدیریت ریسک در دامداران از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. شایان توجه است که رگرسیون چندگانه با استفاده از ترکیب خطی چند متغیر مستقل به پیشگویی متغیر وابسته می‌پردازد. در این تحقیق از روش رگرسیون گام‌به‌گام^۱ با استفاده از نرم‌افزار SPSS

برای به‌دست آوردن معادله استفاده شده است. پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل دارای همبستگی معنی‌دار، تنها متغیرهای "مقدار سرمایه، درآمد سالیانه و میزان آگاهی از عوامل ایجادکننده ریسک" در معادله باقی ماندند. این متغیرها توانایی تبیین ۵۰/۹۰ درصد ($R^2=۰/۵۰۹$) از تغییرات متغیر پذیرش مدیریت ریسک را می‌باشند. (جدول ۷)

1. Stepwise Method

جدول ۷- ضرایب رگرسیون چندگانه گام به گام- متغیر وابسته تحقیق (پذیرش مدیریت ریسک)

Sig.	T	Beta	B	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۲۸/۰۰۶	-	۷/۳۵۹	Constant
۰/۰۰۰	۶/۲۳۴	۰/۵۳۱	۰/۰۲۲	مقدار سرمایه (X_1)
۰/۰۰۵	۲/۸۹۸	۰/۲۳۷	۰/۰۳۸	درآمد سالیانه (X_2)
۰/۰۲۲	۲/۳۳۰	۰/۱۸۷	۰/۰۱۷	میزان آگاهی از عوامل ایجادکننده ریسک (X_3)
			$R= ۰/۷۱۴$	$R^2= ۰/۵۰۹$
			$F= ۱۸/۵۱۴$	$Sig= ۰/۰۰۰$

$$Y = \text{Constant} + b_1 (X_1) + b_2 (X_2) + b_3 (X_3)$$

$$Y = 7.359 + 0.022 (X_1) + 0.038 (X_2) + 0.017 (X_3)$$

با استفاده از فرمول فوق می‌توان میزان پذیرش مدیریت ریسک در دامداران را تخمین زد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که بین فاصله دامداری تا محل زندگی، تعداد رأس، میزان سرمایه، کل درآمد سالیانه، منابع ارتباطی مورد استفاده، مدت بیمه و نگرش نسبت به مدیریت ریسک با پذیرش آن رابطه معنی‌داری وجود دارد. در ارتباط با رابطه ویژگی‌های اقتصادی با پذیرش مطالعات مختلفی صورت گرفته است که می‌توان به مطالعه Punzalan (1990) اشاره کرد. یافته‌های وی بین پذیرش با فاصله دامداری تا محل زندگی، یافته‌های حاصل از این تحقیق را رد میکند اما یافته‌های حاصل از مطالعه Hui ren et al. (2000) در این زمینه در تائید نتایج حاکی از این مطالعه می‌باشد.

رابطه مثبت و معنی‌داری بین بیمه واحد دامداری و پذیرش مدیریت ریسک توسط دامداران بدست آمد. نتایج تحقیقات Cole (2006) و Gregory et al. (2002) در تائید این یافته‌ها می‌باشد.

اطلاعات نشان می‌دهد که دامداران صنعتی که منابع ارتباطی بیشتری را مورد استفاده قرار می‌دهند نگرش مثبت‌تری نسبت به مدیریت ریسک دارند. با توجه به این که این منابع اطلاعاتی، شامل افراد و منابع نوشتاری می‌باشد باعث می‌شود که افراد ارتباطات خود را گسترش داده و احتمالاً این تماس‌ها و ارتباطات تأثیرات مثبتی بر روی نگرش دارد. یافته‌های این مطالعه در زمینه میزان استفاده از منابع ارتباطی در تائید مطالعات Dennis & Neil (2003) می‌باشد.

دامدارانی که میزان سرمایه و کل درآمدشان بیشتر است دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به مدیریت ریسک هستند. با توجه به اینکه آن‌ها تکیه بر سرمایه و دارایی‌شان دارند با اعتماد و قدرت بیشتری حاضر به ریسک کردن هستند و این قضیه احتمالاً بر روی نگرش آنها تأثیرات مثبت دارد. همچنین دامدارانی که تعداد

بیمه نیز همان‌طور که قبلاً بیان شد یکی از روش‌های مهم مدیریت ریسک می‌باشد و در یک دامداری، یکی از مشهودترین راه‌های مدیریت ریسک می‌باشد. بیمه به عنوان شیوه انتقال ریسک به یک واحد دیگر توانسته است نظر تعدادی از دامداران را به خود جلب کند. با توجه به این مطالب، در این مطالعه نیز

اعضای خانواده‌اشان بیشتر است نگرش مثبت‌تری نسبت به مدیریت ریسک دارند.

پیشنهادها

۱- با توجه به این که دامداران انگیزه و تمایلی برای شرکت در کلاس‌های ترویجی و آموزشی نشان ندادند، بنابراین سازمان‌ها، مدیریت‌ها و مراکز جهاد کشاورزی باید تکنیک‌هایی برای جذب بیشتر دامداران و کشاورزان به شرکت در این کلاس‌ها بکار گیرند.

۲- با توجه به نتایج این مطالعه متوجه شدیم که کلاس‌های ترویجی و آموزشی در زمینه دامداری‌های صنعتی یا تشکیل نمی‌شوند و یا اگر تشکیل شوند بسیار کم و نامناسب می‌باشند. لذا توصیه می‌شود که کلاس‌ها در این زمینه بیشتر تشکیل شوند و محتوی آن‌ها به نحوی باشند که اعتماد دامداران را بتواند جلب کند.

۳- همانطور که می‌دانیم بیمه به عنوان یکی از مشخص‌ترین و مشهورترین روش‌های مدیریت ریسک در زمینه کشاورزی می‌باشد. در فعالیتهای دامداری تقریباً بیش از نیمی از دامداران با بیمه آشنا هستند اما عده‌ای نیز از کیفیت آن آگاهی ندارند. بنابراین کارشناسان ترویج می‌بایست در این ارتباط به دامداران کمک کرده و اطلاعات مناسب را در اختیار آن‌ها قرار دهند.

۴- همانطور که بیان شد اکثریت دامداران از اقلاری هستند که سطح سوادشان در حد دیپلم و یا بالاتر می‌باشد لذا دادن اطلاعات به شکل نشریات و یا مطالب نوشتاری دیگر نیز به آنها مفید و مورد استفاده می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود بولتن‌ها و نشریات در زمینه مدیریت ریسک و یا موضوعات مهم دیگر درباره دام صنعتی تهیه شود و در اختیارشان قرار گیرد.

REFERENCES

1. Abourizk, S. (2002). *Risk and uncertainty in construction*. Retrieved from: <http://www.Construction.Ualberta.Ca/papers.Shtml>.
2. Astles, K. L., Holloway, M. G., Steffe, A., Green, M., Ganassin, C. & Gibbs P. J. (2006). An ecological method for qualitative risk assessment and its use in the management of fisheries in New South Wales. *Australia. Fisheries Research*, 82: 290-303.
3. Cole, R. G. (2006). Engaging producers in risk management education. *Journal of Extension*. 44 (2): 1-
4. Davis, J. A. (1971). *Elementary survey analysis*. Englewood Cliffs, N. J.: Prentice-Hall.
5. Dennis, K. & Neil, P. (2003). Building a risk management education program for New England dairy farmers. *Journal of Extension*. 41(2), 1-4.
6. Gregory, I., Leigh, M. & Andrea, B. (2002). Measuring the perceived effectiveness of training for the dairy option pilot program. *Journal of Extension*. 40 (6): 1-8.
7. Harwood, J., Heifner, R., Coble, k., Perry, J., & Somwaru, A. (1999). *Managing risk in farming: concepts, research, and analysis*. Agriculture Economics Report. Department of Agriculture. Washington.
8. Huirne, R. B. M., Meuwissen, M. P. M. & Anderson, J. R. (2000). Risk and risk management in agriculture: an overview and empirical results. *International Journal of Risk Assessment and Management*, (1), 125-136.
9. Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30: 608-610.
10. Lien, G. Flaten, O., Ebbesvik, M., Koesling, M. & Valle, P. S. (2003). *Risk and risk management in organic and conventional dairy farming: Empirical results from Norway*. Retrieved from: <http://www.norsok.no/publikasjoner/organic-dairy-IFMA-2003pdf>
11. Meuwissen, M. P. M. (2000). Insurance as a risk management tool for European agriculture. *Journal of Extension*, 41 (4), 23-29.
12. Meuwissen, M. P. M., Huirne, R. B. M. & Hardaker, J. B. (2001). Risk and risk management: an empirical analysis of Dutch livestock farmers. *Livestock Production Science*, (69), 43-53.
13. Punzalan, A. W. (1990). Agro animal integrated farming system in Barabgay. (Form agric abstract).
14. Rio, P. P. (1999). Adoption of rice production by technology by the urinal farmers. *Journal of Research*, 24 (1): 25-27.
15. Sadighi, H. & Mohammadzadeh, J. (2002). Extension professional staff's attitudes toward participatory approach of extension activities and rural development. *Proceeding of the 18th Annual AIAEE Conference*, Durban, South Africa.
16. Steven, W. M., Oscar, V., George, F. P., Keith, H. C., Thomas, O. K. & Alan, E. B. (2003). Extension educators' perceptions of risk management training needs. *Journal of Extension*, 41 (4): 1-9.